**روشنی هر نامه نام زنده**

**پاينده بوده**

﴿ای بنده‌گان﴾ سزاوار اينکه در اين بهار جان فزا از باران نيسان يزدانی تازه و خرّم شويد \* خورشيد بزرگی پرتو افکنده \* و ابر بخشش سايه گُسْترده \* با بهره کسی که خود را بی بهره نساخت \* و دوست را در اين جامه بشناخت \* بگو ای مردمان چراغ يزدان روشن است آن را ببادهای نافرمانی خاموش منمائيد \* روز ستايش است بآسايش تن و آلايش جان مپردازيد \* اهريمنان در کمين گاهان ايستاده‌اند آگاه باشيد \* و بروشنی نام خداوند يکتا خود را از تيره‌گيها آزاد نمائيد \* دوست بين باشيد نه خود بين \* بگو ای گمراهان پيک راستگو مژده داد که دوست ميآيد اکنون آمد چرا افسرده‌ايد \* آن پاک پوشيده بی پرده آمد چرا پژمرده‌ايد \* آغاز و انجام جنبش و آرام آشکار \* امروز آغاز در انجام نمودار \* و جنبش از آرام پديدار \* اين جنبش از گرمی گفتار پروردگار در آفرينش هويدا شد \* هر که اين گرمی يافت بکوی دوست شتافت \* و هر که نيافت بيفسرد افسردنی که هر گز بر نخواست \* امروز مرد دانش کسی است که آفرينش او را از بينش باز نداشت \* و گفتار او را از کردار دور ننمود \* مرده کسيکه از اين باد جان بخش در اين بامداد دلکش بيدار نشد \* و بسته مردی که گشاينده را نشناخت \* و در زندان آز سرگردان بماند \*

﴿ای بنده‌گان﴾ هر که از اين چشمه چشيد بزنده‌گی پاينده رسيد \* و هر که ننوشيد از مرده گان شمرده شد \* بگو ای زشت کاران آز شما را از شنيدن آواز بی نياز دور نمود او را بگذاريد تا راز کردار بيابيد \* و او مانند آفتاب جهان تاب روشن و پديدار است \* بگو ای نادانان گرفتاری ناگهان شما را از پی کوشش نمائيد تا بگذرد و بشما آسيب نرساند \* اسم بزرگ خداوند که ببزرگی آمده بشناسيد \* اوست داننده و دارنده و نگهبان \*